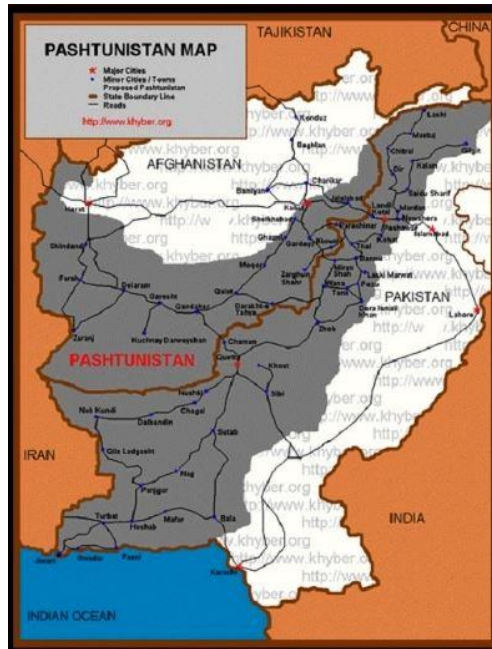




۲۰۱۳/۰۵/۱۵

حسنيه عثمان داؤد

ديورند



ديورند ای تو نام نامی هر ناکسی از من چه میخوایی؟
 برویت سایه بی ننگی غم، برسرت خاک فراموشی،
 به چشمت دیو دژخیمان وحشت
 درتنت بوی فساد و خون
 بگو! دیگر چه میخوایی؟
 به تومار دروغت سالها از خوبستن بیگانه میگردم
 به فتوای وجودت اهریمن با بی حیایی
 بسته در زنجیر، خاکم را
 چه مردابی که ابر آسمانش آشتی بر من نمیبارد
 چه کابوسی که رنگ زندگی را زرد میسازد در آنسوی دیار من
 ز پیر ناخلف میراث استبداد، خطی در میان آشیانم قصه میسازد
 دگر ای درخفا در استنیم زهر نامردی نهانی ریخته، از من چه میخوایی؟

بگو!!! من نیستم، هرگز نبودم غیر دست خط
 بیای صفحه بیداد استعمار دوران با پلنگ کور
 شکایت کن که من دیگر نمیانم که من از یک سراب و قصه بیگانه، خط ماجرا گشتم
 بگو دیگر!!!

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

مرادرگورتاریخم رها سازید
مرا در انزوای وحشت بیداد، پیرمرده پندارید
منم آن لاشه ناجور در دست سیاهی ها
منم آن مومیایی بدست صاحبان زر
که در بیراهه بیراهند
بیا ای سده از دور بر جامانده لاشم را تماشا کن
دودستت را برویت گیر، آتش، دود و خمپاره
ترا از نام من بیچاره میسازد
منم شاید در افسانه ها، خط مجازی، هیچ بی موجب
ترا از من کسانی ناخلف درسد نافر جام غربت، هستی آواره میسازد

شاعره: حسنیه عثمان داؤد
ترتیب کننده: انجنیر عبدالقادر مسعود



د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ